

صندوق توسعه ملی عامل پادشکننده (Antifragile) در اقتصاد ایران

نویسنده: محمد شبانی

مشاور و محقق در حوزه اقتصادی و مدیریتی

Shabani17127@yahoo.com

خلاصه:

متضاد شکننده چیه؟ مقاوم؟ نشکن؟ نقطه مقابل اقتصادی که با شوک و تنش نابود میشه، اقتصادی نیست که نابود نمیشه، بلکه اون نوع اقتصادی است که زمانی که به آن تنش، شوک، تحریم و.. وارد میشه، علاوه بر قوی تر شده رشد هم میکنه. پس هدف بنده بیان این موضوع میباش که متضاد اقتصاد شکننده، باید اقتصاد پادشکننده باشد.

در این مقاله، بنده واژه اقتصاد پادشکننده را معرفی و به ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی و صندوق توسعه ملی به عنوان یک مدیر و مجری در تنظیم گری براساس استفاده بهینه از منابع و ثروت ملی کشور در راستای توسعه و رشد اقتصادی کشور با استفاده از تمامی ظرفیت های موجود، و در ادامه بیان میدارم این صندوق یکی از مهمترین وظایف آن باید ایجاد مقاومت به معنای رشد در بحران و تنش، که بنده آن را اقتصاد پادشکننده مینامم، می پردازم.

در این راستا صندوق باید با رعایت منافع کوتاه مدت و بلند مدت ملی به گونه ای اقتصاد را مدیریت گرداند که در شرایط های مختلف، تنش، شوک های داخلی، تحریم و...، اقتصاد کشور علاوه بر مقاومت، رشد نیز داشته باشد بهتر است اینگونه بیان کنم یکی از وظایف این صندوق باید رشد پس از سانحه Post-traumatic growth در آن بیشترین سهم را داشته باشد، از این منظر این صندوق، دارای صاحب جایگاهی خطیر و بی مانند است.

صندوق توسعه ملی با مسئولیتی های که بر عهده دارد، چه در حوزه رشد و توسعه تولید ملی، اشتغال زایی، اجرای اهداف اقتصاد مقاومتی، تولید صادرات محور، توانمندسازی بخش خصوصی و سایر موضوعات در سند چشم انداز و برنامه های توسعه، نقش آفرین و بستر ساز است. این صندوق باید، تمام ظرفیت خود را در جهت تامین اهداف کشور و ملت به کار بسته و با مدیریت صحیح ثروت ملی، به مقاومت و رشد اقتصاد کشور با تنظیم گری و برنامه ریزی هوشمندانه پردازد.

اقتصاد پادشکننده به تعبیر بنده ذیل اقتصاد مقاومتی قرار میگیرد، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، تحریم و.. نه تنها ایستادگی نموده، بلکه رشد نیز میکند و همواره سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس نیاز اقتصاد جامعه و اهداف دارد.

لذا هدف این مقاله، نقش صندوق توسعه در اقتصاد مقاومتی یا به تعبیر بنده اقتصاد پادشکننده میباش

کلمات کلیدی:

مقدمه:

ابتدا اقتصاد مقاومتی

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به تعبیر مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب "اقتصاد مقاومتی" را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل "فشار اقتصادی دشمنان" و "آمادگی کشور برای جهش" را معرفی نمودند.

برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند:

"اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد."

هدف ما در اقتصاد پادشکننده به تعبیر بنده که ذیل اقتصاد مقاومتی قرار دارد این می‌باشد که، سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ و مقاوم کنیم، مقاومتی که علاوه بر حفظ ساختار قبلی رشد نیز داشته باشد، از آنجا که صندوق توسعه ملی نگهبان و سیاست‌گذار ثروت ملی می‌باشد، ایجاد اقتصاد پادشکننده، یکی از اقتضات "اقتصاد مقاومتی" که باید تبیین و اجرا گردد. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. اما اقتصاد پادشکننده می‌گوید: اقتصاد زمانی که در فشار، شوک، تنش و در معرض توطئه‌ی دشمن قرار می‌گیرد، علاوه بر مقاوم بودن باید رشد نیز داشته باشد.

وظیفه اقتصاد مقاومتی این می‌باشد که، اقتصاد را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ و نگه دارد. این یکی از اقتضات "اقتصاد مقاومتی" است. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد، باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی بیان مینمایند که:

- استفاده از همه ی ظرفیت های دولتی و مردمی، بخش خصوصی را باید کمک کرد. خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش هایش همین تکیه ی به مردم است همین سیاست های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود این جزو کارهای اساسی شماس است.

- حمایت از تولید ملی، یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی.

- مدیریت منابع ارزی، مسئله ی منابع ارزی هم مسئله ی مهمی است، روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد.

- مدیریت مصرف، یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه ی اسراف و زیاده روی، قضیه ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ سازی اش بیشتر به عهده ی رسانه هاست. و عمل وظیفه دولت و سایر مجموعه ها میباشد.

در ادامه تبیین، ایشان (رهبری معظم انقلاب) فرمودند که اقتصاد مقاومتی شعار نیست، هم دانشگاه ها، هم دستگاه های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را (اجرای و تبیین اقتصاد مقاومتی) را دارند، چه از لحاظ نظری، علمی باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم "اقتصاد مقاومتی"، این یک شعار نیست، این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما افق های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده می کنیم.

از این تعاریف مشخص می شود که اقتصاد مقاومتی، اگرچه در شرایط تحریمی اهمیت ویژه ای می یابد؛ اما فقط مختص به این شرایط نمی باشد. البته این تعاریف متناسب با سؤالاتی است که در فضای عمومی جامعه نسبت به مفهوم اقتصاد مقاومتی ایجاد شده است و تمایز اقتصاد مقاومتی با انواع دیگر اقتصادها نظیر اقتصاد ریاضتی را مشخص می نمایند. البته اهدافی که در این تعاریف برای اقتصاد مقاومتی عنوان شده است، قابل بسط بوده و به عنوان نمونه ای از اهداف کلی اقتصاد مقاومتی مطرح شده اند. لازم است این نکته در نظر گرفته شود که چنین تعاریفی بیشتر به منظور تبیین و روشن شدن موضوع اقتصاد مقاومتی انجام گرفته اند و به همین جهت ممکن است واجد تمام ویژگی های یک تعریف منطقی و آکادمیک نباشند.

هدف:

هدف بنده در این مقاله تبیین اقتصاد پادشکننده به تعبیر بنده که ذیل اقتصاد مقاومتی قرار دارد و ارتباط آن با مجموعه تاثیر گذار به نام صندوق توسعه ملی میباشد، اقتصاد پادشکننده سعی می کند، اقتصاد خرد و کلان کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ و مقاوم نماید، مقاومتی که علاوه بر حفظ ساختار قبلی، رشد نیز داشته باشد، از آنجا که صندوق توسعه ملی نگهبان و سیاست گذار ثروت ملی میباشد، ایجاد اقتصاد پادشکننده، که به نظر بنده یکی از اقتضائات "اقتصاد مقاومتی" میباشد، باید تبیین و اجرا گردد.

در اقتصاد مقاومتی به معنای کلی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است، اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. اما اقتصاد پادشکننده میگوید :

اقتصاد زمانی که در فشار ، شوک، تنش و در معرض توطئه ی دشمن قرار می گیرد ، علاوه بر مقاوم بودن باید رشد نیز داشته باشد.

وقتی یک تکانه در اقتصاد رخ می دهد، اقتصاد ما چند نوع رفتار می تواند از خود نشان دهد. اگر مدل اقتصاد ما مقاومتی و پادشکننده نباشد تکانه می تواند عملکرد ما را تضعیف کند؛ همچنین اگر این تکانه خیلی زیاد باشد چه بسا اقتصاد ما نتواند آن را در خود هضم کند و شرایط اقتصادی ما را بسیار بدتر کند و چه بسا رشد اقتصادی ما را منفی کند اما اگر اقتصاد ما مبتنی بر نظریه های اقتصاد مقاوم و پادشکننده باشد قطعاً می تواند این تکانه را در خودش هضم کند و علاوه بر اینکه به حالت پایدار قبلی باز میگردد به طور سیستماتیک رشد نیز مینماید.

و به تعبیر آقای نسیم نیکلاس طالب ، همانطور که اختلالات پس از سانحه داریم Posttraumaticptsd (Stress Disorder) ، رشد پس سانحه نیز داریم (Post-traumatic growth) .

اقتصاد در رشد پس از سانحه ، یعنی اتفاقاً زمانی که اقتصاد کشور در شوک و تنش قرار میگیرد علاوه بر مقاومت ، رشد نیز به همراه دارد.

برای مثال: در یک بنگاه اقتصادی تولیدی اگر در مسیر خط تولید به دلیل یک اشکال فنی در یکی از ماشین آلات خط تولید متوقف شود در این صورت قطعاً در عرضه محصول و تعهدات آن بنگاه نسبت به مشتریان نیز خلل وارد خواهد شد لذا اگر این بنگاه اقتصادی مدل کسب و کار خود را بر اساس مدل اقتصاد پادشکننده طراحی کرده باشد می تواند تاثیرات منفی این تکانه های ناخواسته را در کسب و کار خود به حداقل و از ان برای رشد مجموعه تولیدی خود استفاده نماید.

پادشکننده بودن در اقتصاد میگوید که اقتصاد باید در مقابل تهدید اقتصادی خارجی علاوه بر مقاومت رشد نیز داشته باشد. با وجود تحریم های اقتصادی، ما در حال حاضر به نوعی درگیر جنگ اقتصادی هستیم و با وجود اقتصاد پادشکننده است که می توان در مقابل تهدیدها مقاومت کرد و از مسائلی همچون از هم پاشیدگی اقتصاد جلوگیری کرد. تلاش برای از هم پاشیدگی اقتصاد، از اهداف دشمن است. اقتصاد پادشکننده باید اقتصادی باشد که در پایان یک جنگ اقتصادی همچنان پابرجا و با رشد مثبت باشد در این مسیر صندوق توسعه ملی میتواند بهترین سیاست گذار و نقشه راه ارائه دهد.

صندوق توسعه ملی با سیاست گذاری و مدیریت منابع و ثروت ملی میتواند، یک اقتصاد غیرشکننده و در عین حال پاسخگو در زمینه های مختلف ارائه دهد. در چنین شرایطی لازم است تا زمینه های مختلف دارای نوعی استقلال اقتصادی باشیم و در بخش های واقعی و مالی و ... به خودکفایی برسیم و این مسأله با بهره گیری از اقتصاد مقاومتی که اقتصاد پادشکننده در ذیل ان قرار دارد ، محقق می شود. اقتصاد پادشکننده در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می گیرد. اقتصاد پادشکننده نمی پذیرد که صرفاً مصرف کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می کند.

نتایج پیاده سازی اقتصاد پادشکننده در کشور میتواند اینگونه باشد:

- استحکام اقتصاد مقاوتی
- ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی
- جایگزینی دسترسی نسبت به مالکیت در اقتصاد
- جایگزینی مدیران کارآمد به جای مدیران ناکارآمد
- استفاده صحیح از ثروت ملی
- هوشمندی نسبت به تغییرات اقتصادی کشور و جهان
- چابک سازی باکس اقتصادی کشور
- کاهش سطح بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار
- فشار روانی کمتر بر نیروی انسانی خبره در مواجهه با بحران و تنش
- اطمینان دهی به سرمایه گذاران خارجی و داخلی، که اقتصاد کشور در شرایط بحرانی علاوه بر مقاومت، رشد نیز دارد.
- کاهش کسری بودجه و مدیریت صحیح آن
- افزایش انعطاف پذیری بازار
- انگیزه برای سهولت کسب و کار و کارآفرینی
- ارتقای جایگاه نوآوری در اقتصاد کشور و رشد همراه با انگیزه برای محققان
- توسعه علم، دانش و انگیزه فعالان اقتصادی
- فعال سازی بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی کشور
- حمایت از تولید ملی
- مردمی تر شدن اقتصاد
- توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین
- خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی
- احیای، اولویت تولید نسبت به واردات

- ایجاد فضای شایسته سالاری Meritocracy در جامعه نخبگانی

- کمترین هزینه زیرساختی برای کشور

- همراهی جامعه دانشگاهی و نخبگانی

- افزایش تولید ناخالص ملی gdp

- ناامیدی دشمنان از تخریب اقتصاد کشور

- اعتماد همپیمانان جهانی در مسیر حمایت همه جانبه

- افزایش قدرت چانه زنی برای دستگاه دیپلماسی کشور

تئوری و پیشینه تحقیق:

اقتصاد مقاومتی یک نظریه جهانی است. اقتصادی مقاومتی دانسته می‌شود که با وجود همه موانع، مشکلات، تهدیدات و دشمنی‌ها به اهدافش برسد. بدین ترتیب با وجود تنوع در اهداف اقتصادی، همه ملتهای مستقل و همه مدیران مدبر آنها به دنبال مقاومسازی اقتصاد خود در مقابل موانع و مشکلات سخت (مانند جنگ، کمبود منابع، بلایای طبیعی و...) و موانع و مشکلات نرم (تحریم، بحران‌های اقتصادی جهانی و...) خواهند بود.

بررسی عملکرد کشورهایی که هم اکنون در بالاترین رده‌های اقتصادی جهان قرار گرفته‌اند (ژاپن، چین، آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، هند، کره جنوبی، استرالیا و روسیه) نشان می‌دهد عنصر اصلی پیشرفت اقتصادی کشورهای پیشرفته جهان آن چیزی است که در ادبیات ما «اقتصاد مقاومتی» نامیده می‌شود.

اقتصاد مقاومتی در آمریکا، آمریکا در رتبه اول اقتصادهای جهان قرار دارد. این مساله بدین جهت بوده است که سیاست‌های اقتصادی آمریکا و حتی الگوی دیپلماسی خارجی آن در راستای تقویت تولید ملی این کشور تنظیم شده است. این کشور طی یک قرن اخیر، برنامه‌های مهمی برای تقویت تولید ملی خود طراحی و اجرا کرده است که نتیجه آن تبدیل شدن این کشور به یکی از تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی جهان است؛ به نحوی که این کشور در تولید بسیاری از غلات، محصولات باغی و تره‌بار جزو ۳ کشور برتر جهان شناخته شده و در رده‌های بالای صادرات محصولات کشاورزی قرار دارد.

سیاست‌های دولت آمریکا در زمینه تولیدات صنعتی نیز سبب تبدیل شدن این کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ صنعتی جهان شده است تا جایی که عمده صادرات این کشور عبارت است از: انواع ترانزیستورها، هواپیما، قسمت‌های موتور وسایل نقلیه، کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی که حدود ۵۰ درصد از صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش خدمات آمریکا نیز با سرعت بالایی رشد یافته است، تا آنجا که هم‌اکنون حدود ۷۵ درصد از اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده است.

اما رشد قوی و پایدار تولید در آمریکا به دلیل سیاست‌های اقتصادی و تجاری همراستا با تولید بوده است. به عنوان مثال یکی از علل تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی در آمریکا، سیاست‌های پولی، مالی و بانکی این کشور است.

در واقع سیاست‌های کلان اقتصادی این کشور به نحوی تنظیم می‌شود که بیشترین اثر مثبت را بر تولید داشته باشد. این سیاست‌ها سبب شده در شرایط رکود، منابع نقدینگی اضافی ایجاد شده توسط بانک مرکزی این کشور به سمت تولید حرکت کند.

اقتصاد مقاومتی در ژاپن، ژاپن در شرایطی جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کرده است که به لحاظ منابع طبیعی و نیز سرگذشت سیاسی شرایط بسیار نامطلوبی دارد. به لحاظ طبیعی این کشور منابع بسیار محدودی دارد و اکثر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است. به لحاظ سیاسی نیز شکست در جنگ دوم جهانی وضعیت اسفباری را برای این کشور رقم زد. پس از شکست در این جنگ، ژاپن با داشتن ۱۳ میلیون بیکار، شرایط بسیار سخت اقتصادی را تجربه کرد. کمبود مواد غذایی، تورم بسیار شدید تا حدی که حقوق افراد کفاف سیر کردن شکم‌شان را نمی‌داد و شکل‌گیری بازار سیاه تنها بخشی از مشکلات این کشور بود. این مسائل به علاوه ضرورت بازسازی کشور ناشی از خرابی‌های جنگ که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱/۵ درصد از ثروت ملی این کشور شده بود و نیز مسؤلیت پرداخت غرامت به متفقین باعث بروز فشار بیشتری بر مردم و دولت ژاپن شده بود اما مردم و دولت ژاپن با رویکردی منطقی که لاقول در بخش تقویت تولید ملی شباهت زیادی به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی دارد و با همکاری یکدیگر، ژاپن فقیر و ویران را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی جهان تبدیل کردند. با همکاری دولت، مردم و صنعت و نیز با توسعه فناوری‌های پیشرفته، ژاپن به یکی از پیشگامان عمده در صنعت و فناوری دنیا تبدیل شد.

یکی از عوامل پیشرفت شگفت‌انگیز تولید ملی اقتصاد ژاپن فرهنگ بالای تولید در مردم این کشور است. در این دهه‌ها مردم ژاپن نه تنها برای سود تولید می‌کردند، بلکه تولید و کار را امری مقدس و ارزشمند می‌دانستند. ژاپنی‌ها همچنین برای ارتقای بهره‌وری و کارایی خود تلاش می‌کردند. آنها با کنجکاوی به پیگیری مهارت‌ها و روش‌های مناسب‌تر برای کار و تولید می‌پرداختند. در واقع انگیزه نیروی کار ژاپنی برای بهبود کارایی خود، فراتر از آنکه تحت تاثیر نظام انگیزشی اقتصادی باشد به صورت درونزا و با انگیزه‌های شخصی صورت می‌گرفت. ارزش قائل شدن برای کار و تولید، تلاش مضاعف و نیز تلاش برای ارتقای دانش و مهارت ۳ ویژگی مهم نیروی کار ژاپنی است.

در کنار فرهنگ تولیدی بالا، الگو و فرهنگ مصرف صحیح نیز از کلیدهای پیشرفت اقتصادی ژاپن طی دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی بوده است. ۲ ویژگی مهم مردم ژاپن در حوزه مصرف عبارت بود از: قناعت و اعتدال در مصرف و تاکید بر مصرف کالاهای وطنی.

همچنین تاکید مردم ژاپن بر مصرف کالاهای ساخت داخل طی دهه‌های اولیه پس از جنگ با هدف تقویت صنایع داخلی موضوعی مهم در پیشرفت اقتصادی این کشور محسوب می‌شود. این زمینه فرهنگی باعث شد دولت سیاست کاهش واردات از کشورهای دیگر را به منظور تقویت صنایع داخلی در ژاپن با موفقیت اجرا کند، سیاستی که گاهی چنان افراطی محسوب می‌شد که با عنوان سیاست انزواطلبی از آن یاد شده است. تامین بازار داخل برای تولیدات و محصولات ژاپنی نقطه اتکایی مهم برای تقویت تولید ملی در ژاپن محسوب می‌شود.

اما بهترین مکمل برای فرهنگ اقتصادی قوی مردم ژاپن سیاست‌های دولتی این کشور طی دهه‌های پیشرفت بوده، سیاست‌هایی که منجر به ارتقای دانش و فناوری و در نهایت رشد بالای تولید ملی در این کشور می‌شده است. در

دهه‌های پیشرفت ژاپن، رشد تولید ملی این کشور تا حد زیادی مرهون تقویت و توسعه صادرات آن بوده است. دولت ژاپن با سیاست‌های مناسب علاوه بر تشویق صادرات، واردات کالا را محدود می‌کرد تا زمینه برای تقویت تولیدکنندگان ژاپنی فراهم شود. این دولت برای افزایش مزیت‌های صادراتی خود حتی بارها اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود (ین در مقابل دلار آمریکا) کرد تا کالای ژاپنی برای خریداران خارجی ارزان‌تر تمام شود و صادرات ژاپن افزایش یابد.

در مقابل توسعه صادرات، دولتمردان ژاپنی بخوبی واقف بودند که نیازمند فناوری‌های موجود در سایر کشورهای پیشرفته هستند. از سوی دیگر به هیچ عنوان قصد نداشتند با آزادسازی واردات بازار مصرف تولیدات داخلی خود را دچار خطر کنند. به همین جهت بر واردات کالاهایی تمرکز کردند که همزمان با ورود آنها انتقال فناوری نیز ممکن می‌شد. این کشور طی دهه‌های شکوفایی خود هرگز در صناعی که قدرت رقابت جهانی نداشتند، اجازه واردات آزاد را نداد و دائما تا تحقق قدرت رقابتی بالا از صنایع خود حمایت کرد.

اقتصاد مقاومتی در چین، چینی‌ها بخوبی دریافته‌اند پیشرفت در جهان کنونی بدون تسلط بر علم و فناوری ممکن نیست. به همین جهت طی دهه‌های اخیر یکی از برنامه‌های مهم چین برای پیشرفت اقتصادی، تقویت و بومی‌سازی فناوری بوده است. از جمله اقدامات مهم حاکمیت چین برای توسعه و بومی‌سازی فناوری، ایجاد ده‌ها منطقه ویژه فنون اقتصادی و علوم و فناوری‌های جدید بوده است. برنامه اصلی این شهرک‌ها، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های جدید در این کشور بوده است. به همین جهت است که بیش از ۶۰ درصد صادرات کشوری را که ۵۰ درصد مردم آن کشاورز هستند، محصولات با فناوری بالا تشکیل می‌دهد.

گاهی به اشتباه تصور می‌شود توسعه و پیشرفت چین مرهون سرمایه‌های خارجی است. این تصور غلطی است، زیرا سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به مقدار قابل ملاحظه‌ای رسید و پیش از آن عدد قابل ذکری نبود. اصولاً سرمایه‌گذاری خارجی در چین هرگز از ۱۰ درصد کل سرمایه‌گذاری انجام شده در این کشور فراتر نرفته است. این بدان معناست که چینی‌ها عمدتاً به سرمایه و منابع مالی داخلی خود متکی بوده‌اند و اساساً سازندگی حاصل از بهره‌برداری از منابع داخلی باعث شد منابع سرمایه‌ای خارجی نیز به سمت چین حرکت کند. عمده برنامه‌های اصلاحات اقتصادی چین از روستاها آغاز شد و پس از آن به شهرها رسید. این در حالی است که بر اساس نظریه اقتصاد متعارف (غربی)، اثرات اشاعه‌ای اقتصاد از مرکز به سمت پیرامون صورت می‌گیرد.

تاکید دولتمردان چینی بر ارتقای توان کشاورزان و روستاییان از طریق توسعه آموزش و پشتیبانی‌های فنی، بازاریابی و... باعث شد اقتصاد روستایی این کشور به موتور اصلی برای توسعه آن تبدیل شود. این رویکرد موجب شد نه تنها به لحاظ تامین غذا و پوشاک وضعیت چین به سرعت بهبود یابد، بلکه بعدها بخش عمده محصولات صنعتی صادراتی این کشور نیز از مبدأ روستا اتفاق بیفتد تا جایی که هم‌اکنون برخی تجهیزات پیشرفته نیز در روستاها (در قطعات منفصل و در خانه‌های کوچک) تولید و پس از مونتاژ صادر می‌شود.

البته در کنار سیاست‌های اقتصادی مناسب، نوع نگاه مردم چین به اقتصاد و عملکرد آنها مهم‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی این کشور بوده است. یکی از مشخصه‌های مردم چین، فرهنگ بالای کار و تلاش است. مردم این کشور تحت تاثیر فرهنگ کنفوسیوسی، مردمی اهل کار هستند. بر اساس همین فرهنگ بود که چینی‌ها پذیرفتند سال‌ها با

درآمد کم کار کنند و اجازه دهند ثروت‌های تولید شده آنها به سرمایه تبدیل شود. فرهنگ مصرف چینی‌ها هم همراستا با برنامه‌های تقویت تولید ملی عمل می‌کند. مردم چین اهل صرفه‌جویی هستند و اسراف نمی‌کنند. حتی در سال‌های اخیر که این مردم صاحب یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان شده‌اند، باز هم فرهنگ مصرف صحیح (و عدم اسراف) را فراموش نکرده‌اند.

روش و سبک پیاده سازی:

اقتصاد مقاومتی و در تعریف ما اقتصاد پاشکننده، یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

و اما سوال کلیدی، راهبردها و راهکارهای تحقق اقتصاد پادشکننده و مقاومتی چیست؟

- حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی

ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مبین سه وظیفه برای دولت، دست‌اندرکاران تولید و مردم می‌باشد، سه حلقه‌ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

- محدود سازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد

محدود سازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد.

- توجه به نخبگان و بهره‌گیری از فناوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است.

- جلوگیری از سوداگری و فعالیت‌های غیر مولد

سوداگران با فعالیت‌های غیر مولد خود از نوسان‌های بازار سوء استفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب خود می‌کنند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز و کار اقتصاد به سمت حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود. برخی فعالیت‌ها مانند: سیاست‌های کنترل زمین و مسکن، مبارزه با

قچاق و واردات غیر قانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و... را می توان نام برد.

- مردمی سازی اقتصاد و توانمندسازی آحاد مردم

برای اینکار، در گام اول می بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می تواند به اشکال گوناگون شبکه سازی، خوشه سازی، زنجیره تامین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم های جمعی میان فعالیت ها، آرمان های مردم سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم ها و فشارها ارتقاء می یابد.

- کاهش وابستگی به درآمد نفت

شناسایی بسترهای وابستگی کشور به درآمدهای نفت و کاهش میزان وابستگی کشور به آن. برخی از سیاست هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند؛ مالیات و درآمدهای ترانزیتی و... و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر... را می توان نام برد.

- اولویت تولید بر واردات و حمایت از خرید کالای داخلی

ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر درعین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف درعین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

- تدوین دقیق نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

دولت در شرایط امروز اقتصاد ایران، بزرگ ترین رسالت را دارد. هر یک از سیاست هایش از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، هزینه فرصت ها به شدت بالاست و نیاز به هوشمندی و دقت خاصی از ناحیه دولت احساس می شود. شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، راهبرد اصلی در رسیدن به جایگاه واقعی خویش در عرصه جهانی است که برای تحقق آن باید همکاری نزدیکی میان دولت و مردم صورت گیرد.

- حمات جدی مسئولان از تولید ملی و تحقق اقتصاد مقاومتی

تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.

- حمات صاحبان سرمایه و نیروی کار

ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

- تدوین دقیق نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

دولت در شرایط امروز اقتصاد ایران، بزرگ ترین رسالت را دارد. هر یک از سیاست هایش از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، هزینه فرصت ها به شدت بالاست و نیاز به هوشمندی و دقت خاصی از ناحیه دولت احساس می شود. شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، راهبرد اصلی در رسیدن به جایگاه واقعی خویش در عرصه جهانی است که برای تحقق آن باید همکاری نزدیکی میان دولت و مردم صورت گیرد.

- حمایت جدی مسئولان از تولید ملی و تحقق اقتصاد مقاومتی

تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.

- حمایت صاحبان سرمایه و نیروی کار

صاحبان سرمایه و نیروی کار بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به این معنا که بهره وری را افزایش بدهند. بهره وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود. صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. کسانی که دارای سرمایه هستند آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

- تثبیت قیمت ارز در بازار

یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت قیمت ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز، زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می‌سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می‌کند. از این رو دولت، به عنوان اصلی‌ترین مقام تصمیم‌گیری در سیاست‌های مالی و ارزی کشور، می‌تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاست‌های مناسب به حداقل رسانده تا در آینده، اقتصاد کشور دچار شوک‌های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زود گذر نشود. توزیع مناسب و به اندازه ارز به بازار، توجه به صنایع و مایحتاج عمومی مردم، در اولویت قرار گرفتن اخذ ارز مورد نیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب با توجه به شرایط بازار و... می‌تواند بخشی از تدابیر دور اندیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود.

- اشتغال زائی و ایجاد فرصت‌های شغلی

اشتغال در کشور امنیت عمومی را به دنبال خواهد داشت که می تواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین ایجاد فرصت های شغلی از سوی دولت امری ضروری تلقی می گردد. در شرایط کنونی افزایش فرصت های شغلی، یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول در دولت محسوب می شود، چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر در کشور هستیم. از جمله راهکارهای لازم برای رفع موانع اشتغال زائی عبارتند از؛ تغییر نگرش دولت به بخش خصوصی، ایجاد امنیت اقتصادی، مبارزه با مفاسد اداری، کنترل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کنترل اقتصاد زیر زمینی....

- تقویت نقش مردم و بالابردن مشارکت مردمی

تحقق اقتصاد مقاومتی صرفاً با مشارکت مردمی امکان پذیر است و لاغیر. برای بالابردن مشارکت مردمی باید از هر نوع فعالیت اقتصادی مردمی استقبال کرد. فضایی باید بر کشور و جامعه حاکم گردد که همه مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور، حس کنند و برآن ببالند. در نظریه های اقتصادی نقش مردم به عنوان مصرف کنندگان کالاها بسیار حائز اهمیت است. از مهم ترین نقش های مردم در تحقق اقتصادی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مدیریت مصرف

- قناعت

- تولید ثروت حلال

- ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

نتیجه گیری:

مقوله اقتصاد پادشکننده به تعبیر بنده و اقتصاد مقاومتی در کلان موضوع این مسأله را به ذهن متبادر می کند که اقتصاد باید در مقابل تهدید اقتصادی خارجی مقاومت کند. با وجود تحریم های اقتصادی، ما در حال حاضر به نوعی درگیر جنگ اقتصادی هستیم و با وجود اقتصاد مقاومتی است که می توان در مقابل تهدیدها مقاومت کرد و از مسائلی همچون از هم پاشیدگی اقتصادی جلوگیری و بلکه رشد نمود. تلاش برای از هم پاشیدگی اقتصاد، از اهداف دشمن است. اقتصاد مقاومتی باید اقتصادی باشد که در پایان یک جنگ اقتصادی همچنان پابرجا باشد و متلاشی نشود.

اقتصاد پادشکننده در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی ومدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد پادشکننده کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

برهمن اساس توجه به راهبردها و راهکارها زمينه ساز موفقيت اهداف اقتصاد پادشکننده در سطح کشور خواهد شد. ما به دنبال اهداف اقتصاد مقاومتی هستيم. یک اقتصاد غيرشکننده و در عين حال پاسخگو در زمينه های مختلف. در چنین شرايطی لازم است تا زمينه های مختلف دارای نوعی استقلال اقتصادی باشيم و در بخش های واقعی و مالی و... به خودکفایی برسيم و اين مسأله با بهره گیری از اقتصاد مقاومتی و به ذيل يا در طول ان اقتصاد پادشکننده محقق می شود.

اميدوارم همواره پيروز و سربلند باشيد.

برادرتان محمد شبانی

زمستان ۱۴۰۰

منابع:

فرميشات مقام معظم رهبری پيرامون اقتصاد مقاومتی

برداشت ازاد از مجموعه کتاب های آقای نسيم نیکلاس طالب کتاب های ، قوی سیاه – پوست در بازی - پادشکننده

دکتر حجت الله عبدالملکی ، اقتصاددان، دانشيار دانشگاه امام صادق عليه السلام، کارشناس اقتصاد مقاومتی

اسماعيل کوشکباغی ، تبیین اقتصاد مقاومتی، راهبردها و راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟